

تأثیر حکمرانی خوب به عنوان شاخص اخلاقی بر رشد اقتصادی

پرویز نصیرخانی*

چکیده

حکمرانی خوب در سالهای پیش از جنگ جهانی دوم کمتر استفاده می‌شد اما در طول دهه ۱۹۸۰ با مفهومی جدید ظهور کرده است که به چیزی فراتر از حکومت (دولت) اشاره (Government) دارد. در واقع حکمرانی خوب مفهوم بسیار گسترده‌ای را در بر می‌گیرد که محصول مشارکت سه نهاد دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است. هر سه آنها برای توسعه انسانی پایدار ضروری هستند. دولت محیط سیاسی و حقوقی بارور به وجود می‌آورد، بخش خصوصی اشتغال و درآمد را پدید می‌آورد و جامعه مدنی تعامل سیاسی و اجتماعی گروه‌های فعال برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تسهیل می‌کند.

شاخصهای حکمرانی خوب حاصل تلاش سه تن از محققان بانک جهانی دانیل کافمن، آرت کرای و پابلو زویدو لوباتوناست که یافته‌های مؤسسات مختلف بین‌المللی همچون بنیاد هریتیج و خانه آزادی پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام کرده و شاخصهای کلی و جدیدی تحت عنوان شاخصهای حکمرانی معرفی نموده‌اند. بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس شش شاخص تعریف می‌کند.

در این تحقیق با استفاده از بسته نرم‌افزاری Eviews6 و روش پانل دیتا به بررسی تأثیر شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب پرداخته می‌شود. آمار و اطلاعات شاخص حکمرانی خوب بر اساس مطالعات صورت گرفته از سوی کافمن و همکاران از سایت بانک جهانی اخذ می‌گردد. همچنین آمار رشد اقتصادی ایران و کشورهای اسلامی منتخب نیز از بسته نرم‌افزاری WDI که همه ساله از سوی بانک جهانی برای تمامی کشورهای جهان منتشر می‌گردد، اخذ شده است.

دوره مطالعه حاضر بین سالهای ۲۰۱۲-۱۹۶۰ تعیین می‌گردد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در طول زمان با افزایش کیفیت حکومت به میزان یک درصد رشد پنج درصدی تولید ناخالص داخلی برای کشورهای مورد مطالعه را داریم و متغیرهای تحقیق می‌توانند ۳۵ درصد از تغییرات نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را توضیح دهد.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، رشد اقتصادی، پانل دیتا.

طبقه بندی JEL: H110, O40, C23

مقدمه

تقسیم بندی کشورها و جوامع به دو گروه تقریباً متمایز توسعه یافته و در حال توسعه، قبل از هر چیز، بر عملکرد اقتصادی و به طور مشخص به نرخ رشد اقتصادی بلند مدت آنها مبتنی است و به همین دلیل، دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالا، هدف اولیه کلیه نظام های اجتماعی و نقطه مطلوب تمامی تلاش هایی است که برای تنظیم امور اقتصادی جوامع مورد توجه قرار می گیرد. سال های مدیدی است که اقتصاددانان در پی کشف عواملی برآمده اند که بر سرمایه گذاری و رشد اقتصادی تأثیر گذارند؛ از جمله: چه عواملی سرمایه گذاری را تحریک و رشد اقتصادی را تسریع می کند، تفاوت عملکرد رشد اقتصادی کشورهای مختلف از کجا ناشی می شود؟ در مدل های سنتی رشد، کشورها و حتی فناوری ها، یکسان فرض می شدند. این مدل ها ریشه تفاوت نرخ سرمایه گذاری و رشد اقتصادی در کشورهای مختلف را به نرخ پس انداز و نرخ رشد عوامل تولید نسبت می دادند. در مرحله بعد اقتصاددانان تلاش نمودند تا با کنترل مدل نسبت به عوامل دیگر، همچون سرمایه انسانی، درجه توسعه یافتگی بخش مالی، کیفیت سیاست-های اقتصاد کلان در کشورهای مختلف، رشد پسماند توضیح داده نشده را به حداقل برسانند (شریف آزاده و بحرینی، ۱۳۸۲).

در این مسیر حتی تفاوت کارکرد تکنولوژی در کشورها و مناطق مختلف مورد نظر قرار گرفت؛ ولی باز هم پسماند توضیح داده نشده قابل توجه بود. در سومین مرحله، پژوهشگران توجه خود را به عوامل غیر اقتصادی تأثیرگذار بر سرمایه گذاری و رشد متمرکز کردند. توجه به عوامل غیر اقتصادی به عنوان منشأ دیگری برای ناهمگنی کشورها، این پرسش را مطرح ساخت که چه ارتباطی میان نهادها به طور عام و نهادهای سیاسی و اجتماعی به طور خاص با سرمایه گذاری و رشد وجود دارد. در این زمینه پژوهش های وسیعی توسط اقتصاددانان صورت گرفت و نتایج قابل توجهی به دست آمد. موضوعاتی از قبیل: میزان نمایندگی دولتمردان از جانب مردم، ثبات سیاسی، میزان ثبات رژیم حاکم و احتمال تداوم سیاست های جاری در صورت مرگ و میر یا تغییر رهبران و دولتمردان، حدود حاکمیت نظم و قانون، خطر بی اعتنائی به قراردادهای توسط مردم، فساد در دستگاه اداری و موضوعاتی از این قبیل متغیرهای جدیدی بودند که در این مرحله وارد ادبیات سرمایه گذاری و رشد اقتصادی شدند و به تدریج این مفاهیم تحت عنوان شاخص های حکمرانی خوب شناخته شدند.

در حال حاضر این شاخص ها بیش از مفاهیم مطرح شده پیشین، از توان توضیح دهندگی تفاوت عملکرد کشورها و مناطق مختلف جهان در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی

برخوردارند. این شاخص‌ها کلیات نظام سیاسی و اقتصادی کشورها را نمایان می‌سازند. در پژوهشی دیگر که توسط بانک جهانی بر پایه شاخص‌های حکمرانی خوب صورت گرفته، نشان داده شده که فاصله ایران از متوسط جهانی این شاخص‌ها بسیار زیاد است. از آنجایی که مطالعات بانک جهانی به واسطه اینکه عموماً بر پایه اظهارنظرهای کارشناسی تهیه شده‌اند، الزاماً دارای تورش محاسباتی می‌باشند، ولی در عین حال از مقبولیت بالایی در فعالیت‌های علمی و سیاستگذاری برخوردار است؛ اما حتی با در نظر گرفتن این امر و با توجه به تأثیر گذاری جدی ارزیابی‌های بین‌المللی بر امنیت سرمایه‌گذاری و دیدگاه مثبت و منفی سرمایه‌گذاران خارجی در مورد ایران نمی‌توان نسبت به مساله حکمرانی در ایران بی‌توجه بود.

در این مطالعه می‌خواهیم میزان تأثیرگذاری کیفیت حکمرانی بر نرخ رشد مجموعه گسترده‌ای از کشورهای ایران و سیزده کشور اسلامی منطقه را مورد بررسی قرار دهیم که آشنایی با آنها می‌تواند در تعیین اصلاحات اقتصادی در حوزه‌های مختلف کشور مؤثر باشد. پیش از آن برخی نکات کلی را لازم است در این مجال ارائه کنیم، که به قرار زیر هستند.

- چگونگی شکل‌گیری حکمرانی خوب: از هنگام ظهور علم اقتصاد توسعه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، سیاستگذاری توسعه اقتصادی به سه دوره متمایز قابل تفکیک است. دوره نخست از پایان جنگ جهانی دوم شروع می‌شود و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه می‌یابد. نظریات اقتصاد کینزی دولت را عامل تصحیح‌کننده شکست بخش خصوصی می‌دانستند که با طرح‌های عمرانی دولتی و صرفه‌های مقیاس حاصل شده از آن، فرایند توسعه را تسریع می‌بخشید. اما شرکت‌های دولتی در عمل نشان دادند که کارایی و انعطاف‌پذیری لازم را نداشته، در معرض فشارهای سیاسی و تورم نیروی کار قرار دارند و اکثریت آنها زیان‌ده‌اند. در دوره دوم و رویکرد مکتب شیکاگو که به اجماع واشنگتنی معروف شد، باور به قدرت بخش خصوصی و انتخاب مردم بود و کارآمدی رقابت و قیمت‌ها جای تخصیص دولتی منابع را می‌گرفت. طبق این دیدگاه، بخش خصوصی بهترین نتایج را به بار می‌آورد و قیمت‌ها بهترین تخصیص‌دهنده منابع هستند. هرگونه دخالت دولتی برای تغییر در آنچه بخش خصوصی به وجود می‌آورد، ضد تولیدی است. نگاه به دولت از عامل توسعه به جدی‌ترین مانع توسعه تغییر یافت. فرض می‌شد که نهاد دولت تحت فشار گروه‌های همسود، به دستگاه تولید و توزیع افزونه تبدیل می‌شود؛ پس هر اندازه دولت کوچکتر شود بهتر است. از آن پس موجی تازه از نظریات و رویکردها آغاز شد. اگر شعار دوره اول را «دولت کوچک» و دوره دوم را «دولت، موتور توسعه» بدانیم، شعار دوره سوم «حکمرانی خوب» است. در واقع در دوره سوم ماهیت مسأله تغییر یافت، در دوره‌های پیشین

مسأله ابعاد دولت (بزرگی و کوچکی) آن مطرح بود، اما در این دوره کمیت دولت جای خود را به کیفیت مداخله دولت داده است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳)

- شاخص های اندازه گیری حکمرانی خوب: برنامه توسعه سازمان ملل متحد حکمرانی خوب را اعمال قدرت سیاسی- اقتصادی و اداری برای مدیریت امور عمومی یک کشور در همه سطوح تعریف می کند. حکمرانی مشتمل بر سازوکار و فرایندها و نهادهایی است که از طریق آن شهروندان و تشکل ها منافع خود را ابراز و حقوق قانونی خود را استفاده نموده، تعهدات و تکالیف خود را ایفا و اختلافات را با میانجی گری حل نمایند.

در تعریف دیگری از یونسکو در سال ۲۰۰۲ حکمرانی خوب به معنای سازوکارها، فرایندها و نهادهایی است که به واسطه آنها شهروندان، گروه ها و نهادهای مدنی منافع مدنی خود را دنبال می کنند و حقوق قانونی خود را به اجرا در می آورند و تعهداتشان را برآورده می سازند (میدری، ۱۳۸۵). همچنین حکمرانی خوب را فرایند تصمیم گیری و اجرای تصمیم ها با تمرکز بر بازیگران رسمی و غیررسمی تعریف می کنند.

بانک جهانی، حکمرانی خوب را بر اساس شش شاخص تعریف نموده و بر اساس این شاخص ها وضعیت حکمرانی خوب را در دوره ۲۰۰۲-۱۹۹۶ هر دو سال یکبار و از سال ۲۰۰۲ به بعد به صورت سالانه در کشورهای مختلف مورد ارزیابی قرار داده است که این شاخص ها عبارتند از:

۱- اظهار نظر و پاسخگویی: بدین مفهوم که مردم بتوانند دولت را در برابر آنچه که بر مردم تأثیر می گذارد، مورد سؤال و بازخواست قرار دهند. این شاخص بیانگر مفهومهایی مانند: حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حاکمان از طبقه های اجتماعی، فرایندهای سیاسی در برگزاری انتخابات و ... است.

۲- ثبات سیاسی و عدم خشونت: این شاخص به میزان ثبات رژیم حاکم و رهبران آن، درجه احتمال تداوم حیات مؤثر دولت و تداوم سیاست های جاری در صورت مرگ و میر یا تغییر رهبران و دولتمردان فعلی می پردازد.

۳- کارایی و اثربخشی دولت: بیانگر کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله که شامل کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی می باشد.

۴- بار مالی مقررات: که بر روی سیاست های ناسازگار با بازار تمرکز دارد. سیاست هایی از قبیل: کنترل قیمت ها، عدم نظارت کافی بر سیستم بانکی و همچنین هزینه وضع قوانین برای محدودیت بیش از اندازه تجارت خارجی.

۵- حاکمیت قانون: میزان احترام عملی که دولتمردان و شهروندان یک کشور برای نهادهایی قائل هستند که با هدف وضع و اجرای قانون و حل اختلاف ایجاد شده است.

۶- کنترل فساد: استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی. این شاخص مفهوم هایی مانند فساد در میان مقامات رسمی، اثربخشی تدبیرهای ضد فساد و تأثیر آن بر جذب سرمایه های خارجی، پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی و ... را اندازه گیری می کند. در این تعریف هر اندازه ویژگی های مثبت مانند حاکمیت قانون، پاسخگویی و اثربخشی دولت در یک جامعه بیشتر باشد و فساد، مقررات اضافی و بی ثباتی سیاسی و خشونت کمتر باشد، حکمرانی در آن جامعه برای نیل به توسعه مناسب تر است.

۱. پیشینه تحقیق

رودرا و سانپال در مطالعه ای با عنوان حکمرانی خوب و توسعه انسانی در ایالت های هندوستان (2011) اثر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی را در هندوستان طی دو دهه اخیر با استفاده از روش داده های تابلویی مورد بررسی قرار داده اند. در این مطالعه از شاخص ترکیبی حکمرانی خوب به عنوان متغیر توضیحی استفاده شده است. نتایج این مطالعه نشان می دهد که حکمرانی خوب و توسعه انسانی دوره های پیشین، توسعه انسانی فعلی را در هندوستان تعیین می کند.

کامسا و ام بچ (2004) در مقاله خود، نقش نهادها را در فرایند توسعه کشورهای آفریقایی مورد مطالعه قرار داده و به این نتیجه دست یافته اند که اجرای ضعیف حاکمیت قانون، فساد، ضعف مدیریت، فقدان یک جامعه مدنی قوی و دخالت های سیاسی مهمترین عامل بازدارنده در توسعه این کشورها بوده اند.

فنگ و کناک (2003)، ارتباط حکمرانی، کیفیت نهادی و رشد اقتصادی را بررسی نمودند. این مطالعات نشان می دهند بهبود شاخص های حکمرانی خوب اثرات مستقیمی هم بر توسعه اقتصادی و هم بر توسعه انسانی دارد.

ناک و کيفر (۱۹۹۷) رابطه مثبت و معناداری را میان شاخص های حکمرانی خوب که آن را شاخص کیفیت نهادی نامیدند، با رشد اقتصادی به دست آوردند. این شاخص ها مبتنی بر ارزیابی و بررسی جوامعی هستند که بر اساس مکانیزم بازار عمل می کنند.

سامتی، رنجبر و محسنی (۱۳۹۰) در مطالعه ای با عنوان تحلیل تأثیر حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی با استفاده از داده های ترکیبی در دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹، مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا، به بررسی اثر شاخص های حکمرانی خوب بر شاخص

توسعه انسانی می پردازند. نتایج حاصل از تخمین مدل ها نشان می دهد که کیفیت حکمرانی خوب که از طریق میانگین موزون شاخص های حکمرانی محاسبه شده است، اثر مثبت و به لحاظ آماری کاملاً معنادار بر HDI دارد.

علیزاده و عرب (۱۳۸۸) در مطالعه ای با عنوان «تأثیر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی» ارائه شده در ششمین کنفرانس بین المللی مدیریت، به بررسی تأثیر شاخص های حکمرانی خوب بر توسعه انسانی بر ۵۷ کشور که از طریق نمونه گیری تصادفی نظام مند انتخاب شده، با استفاده از داده های مقطعی سال ۲۰۰۶ پرداخته اند. نتایج تحقیق بیانگر ارتباط و تأثیر معنی دار حکمرانی بر توسعه انسانی در جوامع مورد مطالعه می باشد. در تمامی مطالعات انجام شده تأثیر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی با استفاده از روش های اقتصادسنجی مورد بررسی گرفته است. در این مطالعه به صورت تحلیلی به الزامات تحقق حکمرانی خوب که تعامل و همکاری بین سه عنصر موجود در حکمرانی است، پرداخته می شود و با استفاده از تحلیل های آماری اولیه وضعیت شاخص های حکمرانی خوب در ایران مورد بررسی قرار گرفته و سپس راهکارها و سیاست های اجرایی برای تحقق حکمرانی خوب و رسیدن به توسعه انسانی ارائه داده می شود.

۲. روش تحقیق

مدل مفهومی یا همان نقشه ذهنی و ابزار تحلیلی، یک استراتژی جهت شروع و انجام تحقیق است؛ به گونه ای که انتظار می رود در حین اجرای تحقیق، متغیرها، روابط و تعاملات بین آنها مورد بررسی و آزمون قرار گرفته و حسب ضرورت تعدیلاتی در آنها انجام شده و عواملی نیز از آنها کم و یا به آنها اضافه شود (ساتر و لیزن، ۱۹۹۹).^۱

در ابتدا با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از روش اسنادی، به بررسی جنبه‌های تئوریک و نظریات مختلف در رابطه با موضوع پرداخته شده، سپس با توجه به مطالعات تجربی انجام شده توسط اقتصاددانان، مدل اقتصادسنجی مناسب برای بررسی فرضیات رساله تنظیم می شود.

جهت بررسی و ارزیابی تأثیر شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب برای دوره زمانی ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۲ از روش داده های تابلویی (پانل دیتا) استفاده می نمایم. با توجه به انبوه مطالعات صورت گرفته در مورد عوامل تأثیر گذار بر رشد اقتصادی بالتبع متغیرهای فراوانی در بردار X به عنوان متغیرهای کنترل توسط محققین مورد استفاده قرار

1. Sautter & Leisen, 1999.

گرفته است اما باید به این نکته توجه نمود که یک مدل هیچگاه قادر به توصیف دقیق واقعیت (آن طور که هست) نمی‌باشد. به عبارت دیگر جهت توصیف دقیق واقعیت مجبور نخواهیم بود چنان مدل پیچیده‌ای را ارائه کنیم که فاقد کمترین ارزش عملی باشد. به این ترتیب ساده-سازی و تقلیل در هر برنامه مدل سازی اجتناب‌ناپذیر است. در این رابطه اصل قلت متغیرهای توضیحی حکم می‌کند که یک مدل تا آنجا که ممکن است ساده در نظر گرفته شود. این امر دال بر این است که باید برای دریافت اساس پدیده تحت مطالعه، تنها متغیرهای کلیدی و مهم را طبق چهارچوب تئوریک و تحلیل‌های نظری و کارهای انجام یافته در تحلیل وارد نمود.

در مدل‌های نظری تبیین‌کننده عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی متغیرهای مؤثر بر جذب بر مبنای ساز و کارهای نظریه مربوط تعیین و به مدل افزوده می‌شوند. در مدل مورد بررسی این مطالعه، متغیرها بر اساس ادبیات موضوعی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه انتخاب شده‌اند. بنابراین با مروری بر این مطالعات و با الهام از مبانی نظری و ادبیات تجربی مدل مورد نظر خود را به صورت زیر تصریح می‌نمائیم:

$$GDP_{it} = \alpha_i + \beta_1 GDP(-1)_{it} + \beta_2 GOV_{it} + u_{it}$$

در این معادله $i = 1, 2, \dots, N$ برای هر یک از کشورهای موجود در مدل و $t=1, \dots, T$ اشاره به دوره زمانی بررسی مدل دارد، u جزء اخلاص و u_i تأثیر ناهمگنی متغیرهای مشاهده نشده را که ممکن است در بین مقاطع (کشورها) متفاوت باشند، به حساب می‌آورد. متغیر وابسته تولید ناخالص داخلی سرانه است و متغیر مستقل وقفه اول تولید ناخالص داخلی سرانه و شاخص حکمرانی خوب می‌باشد.

GDP_{it} : نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه به عنوان متغیر وابسته

β_0 : عرض از مبدأ

β_1 و β_2 : ضرایب متغیرهای مستقل

GDP_{it-1} : وقفه اول نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه

GOV_{it} : شاخص حکمرانی خوب

u_{it} : جمله اخلاص

جامعه آماری این تحقیق شامل ۱۳ کشورهای در حال توسعه (DC) می‌باشد، که با توجه به محدودیت وجود اطلاعات و داده‌های مورد نیاز برای تخمین مدل تحقیق، به ناچار تعدادی کشور را از بین کشورهای در حال توسعه که دارای داده و اطلاعات کامل تری بودند، انتخاب

کرده ایم. برای انتخاب آنها از معیارهای مختلفی مثل همگنی کشورها در راستای تحقیق، در دسترس بودن اطلاعات و ... استفاده و در ضمن سعی شده است که در انتخاب کشورها به تنوع موقعیت جغرافیایی کشورها نیز توجه شود. آمار و ارقام مورد نیاز برای محاسبه و تخمین مدل از آمارهای موجود در سایت های بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان آنکتاد و سازمان ملل جمع آوری خواهد شد. دوره مورد بررسی در این تحقیق از سال ۱۹۶۰ تا سال ۲۰۱۲ می باشد.

اسامی کشورهای در حال توسعه منتخب، عبارتند از: ۱- ایران ۲- عربستان ۳- افغانستان ۴- آذربایجان ۵- ارمنستان ۶- بحرین ۷- امارات متحده عربی ۸- عراق ۹- کویت ۱۰- پاکستان ۱۱- تاجیکستان ۱۲- ترکیه ۱۳- ازبکستان.

۳. متدولوژی اقتصاد سنجی

برای پیش بینی رفتار متغیرهای اقتصادی، در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، محققین بیشتر به استفاده از مدل های تک معادله ای و در بعد تعمیم یافته آن از نظر سیاستگذاری به بهره گیری از معادلات همزمان گرایش داشتند. روش معادلات همزمان به روش دانشگاه شیکاگو، که در حقیقت در همانجا بنیانگذاری شد، معروف شده است. در این روش فرض بر این است که داده ها از طریق دستگاه معادلات همزمان ایجاد می شوند و طبقه بندی متغیرها به درونزا و برونزا و همچنین ساختار علی مدل از پیش تعیین شده است و قابل آزمون نیست. در هر حال، به دلایل متعدد منجمله مساله بحران نفتی، کارایی این مدل ها در پیش بینی بسیار ضعیف از آب درآمد و در نتیجه، این مدل ها با انتقادات شدیدی روبرو شد.

یک روش جایگزین برای شناسایی ارتباط بین متغیر وابسته با متغیرهای مستقل روش داده های پانلی می باشد. با توجه به هدف پژوهش حاضر که تبیین اثرگذاری شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب می باشد؛ برای شناسایی ارتباط بین متغیر وابسته با متغیرهای مستقل، با به کارگیری نرم افزار Eviews 6 به تخمین روابط میان متغیرها با استفاده از روش داده های پانلی پرداخته شده است. بالتاجی مزایای استفاده از داده های تابلویی را چنین بر می شمارد:

- ۱- از آنجایی که داده های تابلویی به افراد، بنگاه ها، ایالات، کشور ها و از این قبیل واحدها در زمان ارتباط دارند، وجود ناهمسانی واریانس در این واحدها محدود می شوند.
- ۲- با ترکیب مشاهدات سری زمانی و مقطعی، داده های تابلویی برآورد هایی با اطلاعات

بیشتر، تغییرپذیری بیشتر، همخطی کمتر میان متغیرها، درجات آزادی بیشتر و کارایی بیشتر ارائه می نمایند.

۳- مطالعات مشاهدات مقطعی و تکراری در داده های تابلویی به منظور مطالعه پویای تغییرات مناسب تر و بهترند. از این رو دوره های بیکاری، چرخش شغلی و تحرک نیروی بیکار با داده های تابلویی بهتر بررسی می شوند.

۴- داده های تابلویی تأثیراتی را که نمی توان به سادگی در داده های مقطعی و سری زمانی مشاهده کرد، بهتر معین می کنند. برای مثال، اثرات قوانین حداقل دستمزد بر اشتغال و کسب درآمد را می توان بهتر مطالعه نمود.

۵- داده های تابلویی ما را قادر می سازد تا مدل های رفتاری پیچیده را بررسی کنیم، برای مثال، پدیده هایی مانند صرفه جویی نسبت به مقیاس و تغییرات تکنولوژیکی را می توان با داده های تابلویی در مقایسه با داده های سری زمانی و مقطعی خیلی بهتر بررسی کرد.

۶- داده های تابلویی با ارائه داده برای هزاران واحد، می توانند تشریحی را که ممکن است، در نتیجه لحاظ افراد با بنگاه ها (به صورت جمعی و کلی) حاصل شوند، حداقل سازد.^۱

- روش جمع آوری اطلاعات: کشورهای مورد بررسی در این پژوهش شامل ۱۳ کشور در حال توسعه می باشد. که برای انتخاب آنها از معیارهای مختلفی مثل همگنی کشورها در راستای تحقیق، در دسترس بودن اطلاعات و ... استفاده و در ضمن سعی شده است که در انتخاب کشورها به تنوع موقعیت جغرافیایی کشورها نیز توجه شود. آمار و ارقام مورد نیاز برای محاسبه و تخمین مدل از آمارهای موجود در سایت های بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان آنکتاد و سازمان ملل جمع آوری خواهد شد. دوره مورد بررسی در این تحقیق از سال ۱۹۶۰ تا سال ۲۰۱۲ می باشد.

۴. آزمون های مدل

به طور کلی برآورد مدل با استفاده از داده های تابلویی شامل مراحل زیر است:

۱- آزمون تشخیص پایایی بر روی داده ها

۱- آزمون هم انباشتگی پانل^۲

۲- آزمون قابلیت تخمین مدل به صورت داده های تابلویی

1. Baltagi
2. panel co-integration tests

۳- آزمون تعیین اثرات ثابت یا اثرات تصادفی

۴- برآورد پارامترها

۴-۱. ایستایی^۱ و آزمون ریشه واحد^۲

در مدل سازی اقتصادی و اقتصاد سنجی سری های زمانی بایستی ایستایی متغیرهای سری زمانی مورد بررسی قرار گیرد. یکی از انواع مهم داده های آماری مورد استفاده در تجزیه و تحلیل های تجربی، داده های سری زمانی می باشد. زیرا این نوع از داده های آماری دارای ویژگی های خاصی برای پژوهشگران در اقتصادسنجی می باشند. هر سری زمانی را می توان محصول تولید یک فرایند استوکاستیک یا تصادفی دانست و مجموعه پیوسته ای از داده ها یک تحقق واقعی از فرایند تصادفی اصلی می باشند. وجه تمایز و تفاوت بین فرایند استوکاستیک و تحقق واقعی آن بسیار شبیه به وجه تمایز بین جامعه و نمونه آن در داده های مقطعی می باشد. همانگونه که از داده های نمونه برای استنباط و استنتاج در یک جامعه استفاده می شود، در سری های زمانی نیز از تحقق واقعی برای استنباط در مورد فرایند استوکاستیک استفاده می شود.

بر این اساس، میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان ثابت بوده و مستقل از زمان است. اما بررسی هایی که از سالهای ۱۹۹۰ به بعد انجام شده، نشان داده است که فرض ایستایی در مورد بسیاری از متغیرهای سری های زمانی اقتصاد کلان نادرست بوده و اکثر این متغیرها وابسته به زمان بوده و نا ایستا می باشند.

مطالعات نشان داده است که در صورت عدم تحقق فرض ایستایی یعنی نایستا بودن متغیرها در سری های زمانی، استفاده از آمارهای F, t گمراه کننده بوده و احتمال اینکه نتایج به دست آمده تنها یک رگرسیون جعلی بوده و هیچگونه رابطه اقتصادی واقعی تعادلی نداشته باشد، افزایش می یابد. بنابراین لازم است ایستایی و نایستایی متغیرها بررسی گردد. برای بررسی ایستایی متغیرها آزمون های مختلفی همچون همبستگی نگار^۳ و تابع خود همبستگی^۴، آزمون دیکی- فولر^۵ و دیکی- فولر تعمیم یافته^۶ وجود دارد.

1. Stationarity
2. Unit root Test
3. Correlogram
4. Autocorrelation (ACF)
5. Dickey- Fuller Test (DF)
6. Augmented Dickey- Fuller Test (ADF)

ادبیات اقتصاد سنجی و ریشه واحد بیان می دارند که آزمون ریشه واحد مبتنی بر داده های پانل نسبت به آزمون ریشه واحد سری زمانی دارای قدرت و صحت بیشتری می باشد. در این مقاله، سه نوع آزمون ریشه واحد مختلف برای بررسی مانایی متغیرها مورد استفاده قرار گرفته است، این آزمون ها عبارتند از: آزمون ریشه واحد ایم، پسران و همکاران^۱، (از این به بعد با عنوان IPS در مقاله آورده شده است)؛ آزمون دیکی فولر تعمیم یافته^۲ که تحت عنوان ADF در مقاله آمده است؛ آزمون فیلیپس، پرون^۳ که با نام PP در مقاله آمده است. نتایج حاصل از تخمین های ریشه واحد برای K و PGDP برای کشورهای منتخب در جدول ۱ گزارش شده اند.

جدول ۱. نتایج حاصل از تخمین آزمون ریشه واحد برای کشورهای منتخب

با عرض از مبدأ و روند			تصریح
ADF	PP	IPS	آزمون ریشه واحد
			متغیر
**۹۳/۶۴	**۹۷/۹۱	**۶/۵۵-	GDP
۳۶/۸۲	۲۱/۹۰	۰/۲۲۷	Gov
**۶۰/۸۷	**۴۴/۴۹	*۱/۵۲-	Δ Gov

ماخذ: نتایج تحقیق

وقفه بهینه بر اساس معیار شوارتز تعدیل شده انتخاب شده است، فرض صفر مورد آزمون قرار گرفته در آزمون ریشه واحد عبارت است از وجود ریشه واحد در سری های زمانی. * و ** بیانگر معناداری در سطوح احتمال ۹۰ و ۹۵ درصد می باشند. طبق نتایج حاصل از جدول فوق و شواهد ناشی از انجام آزمون های مختلف عمدتاً دلالت بر وجود عدم ریشه واحد در سطح اطمینان ۹۰ درصد برای متغیر شاخص حکمرانی خوب در سطح دارند و متغیرهای مذکور پس از یکبار تفاضل گیری در سطح اطمینان ۹۰ درصد مانا می گردند. نتایج به دست آمده دلالت بر وجود هم انباشتگی از مرتبه اول^۴ برای متغیر شاخص

1. Im, Pesaran and Shin
2. Augmented Dickey Fuller Test
3. Philips, Pron (2003)
4. Cointegration of order one

حکمرانی خوب و هم انباشتگی از درجه صفر برای نرخ رشد تولید ناخالص ملی حقیقی سرانه دارد.

با توجه به اینکه بر اساس نتایج آزمون ریشه واحد تأیید شد که متغیرها هم انباشته از درجه یک و صفر هستند، در گام بعدی به آزمون وجود روابط تعادلی بلندمدت در بین متغیرها می پردازیم.

۲-۴. آزمون های هم انباشتگی پانل^۱

با توجه به اینکه بر اساس نتایج آزمون ریشه واحد تأیید شد که متغیرها هم انباشته از درجه یک و صفر هستند. در گام بعدی به آزمون وجود روابط تعادلی بلندمدت در بین متغیرها می پردازیم. با توجه به وجود ناهمگنی در پویایی ها و واریانس جملات خطا پانل ما از آزمون هم انباشتگی پانل معرفی شده توسط آزمون فیشر استفاده می نمایم زیرا این آزمون امکان وجود ناهمگنی در عرض از مبدأ و شیب معادله هم انباشتگی را فراهم می سازد.

Unrestricted Cointegration Rank Test (Trace and Maximum Eigenvalue)				
Hypothesized	Fisher Stat.*		Fisher Stat.*	
No. of CE(s)	(from trace test)	Prob.	(from max-eigen test)	Prob.
None	160.5	0.0000	149.8	0.0000
At most 1	60.42	0.0000	60.42	0.0000

* Probabilities are computed using asymptotic Chi-square distribution.

جدول شماره ۲ نتایج حاصل از آزمون هم انباشتگی میان شاخص حکمرانی خوب و نرخ رشد تولید ناخالص ملی حقیقی سرانه (Per Capita GDP) به عنوان معیار رشد اقتصادی استفاده را نمایش می دهد.

1. panel cointegration tests

با توجه به نتایج حاصل از آزمون های هم انباشتگی فیشر فرض صفر مبتنی بر عدم وجود بردار هم انباشتگی برای گروه کشورها در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می گردد. بنابراین ما نتیجه می گیریم که رابطه بلند مدت بین رشد اقتصادی و شاخص حکمرانی خوب برای کشورهای منتخب وجود دارد.

۳-۴. آزمون برابری عرض از مبدأها (آزمون اعتبار استفاده از روش پانل)

قبل از ورود به بحث تخمین و تجزیه و تحلیل مدل، لازم است در ابتدا معنی دار بودن اثرات فردی را آزمون نماییم. به عبارت دیگر، آیا عرض از مبدأها برای مقاطع مختلف متفاوت می باشد یا خیر؟ لذا از لحاظ آزمون آماری خواهیم داشت:

$$H_0 = \alpha_1 = \alpha_2 = \dots = \alpha_N \quad \text{مدل مقید}$$

$$H_1 : \alpha_i \neq \alpha_j \quad \text{مدل غیر مقید } i \neq j$$

آماره این آزمون دارای توضیح F می باشد همانگونه که مشاهده می نمایید؛ ما با دو مدل مقید و غیر مقید مواجه هستیم که در مدل مقید، عرض از مبدأها ثابت و یکسان هستند:

$$F = \frac{(RSS_R - RSS_U) / N - 1}{RSS_U / NT - N - K}$$

حال آماره آزمون را محاسبه و با آماره حاصل از جدول مقایسه می نماییم. اگر آماره محاسبه شده بزرگتر از آماره جدول باشد، فرضیه صفر رد می گردد (به این معنی است که عرض از مبدأها برای مقاطع مختلف متفاوت می باشد) بنابراین استفاده از OLS بدون کنترل اثرات فردی، در صورت رد شدن فرضیه صفر، صحیح نبوده و کارآیی هم نخواهد داشت.

جدول ۳. نتایج آزمون F- لیمر برای اعتبار استفاده از روش پانل

نوع آزمون	آماره آزمون	احتمال	نتیجه
F- لیمر	۲/۲۵۸۲	۰.۰۰	برآورد به روش پانل

ماخذ: نتایج تحقیق

نتایج حاصل از جدول شماره ۳ لزوم بررسی مطالعه حاضر به صورت پانل را مورد تأیید قرار می دهد. رد شدن فرضیه H_0 به این معناست که عرض از مبدأها برای مقاطع مختلف متفاوت می باشد. در این حالت استفاده از OLS غیر معتبر بوده و کارآیی هم نخواهد داشت. بر این

اساس مطالعه حاضر به صورت پانل بررسی می شود. در مرحله بعدی به منظور بررسی اینکه کدامیک از دو روش اثرات ثابت یا روش اثرات تصادفی کارآیی بیشتری دارد از آزمون دوم، یعنی آزمون هاسمن استفاده می نماییم.

در مرحله بعدی به منظور بررسی اینکه کدام یک از دو روش اثرات ثابت یا روش اثرات تصادفی کارآیی بیشتری دارد از آزمون دوم، یعنی آزمون هاسمن استفاده می کنیم.

۴-۴. آزمون هاسمن (گزینش بین اثرات ثابت و تصادفی)

مساله ای که در اینجا وجود دارد این است، که باید مشخص شود از بین روش های اثرات ثابت یا تصادفی کدام روش برای تخمین داده های انباشته شده مناسب تر می باشد. برای انتخاب بین الگوی اثرات ثابت^۱ و تصادفی^۲، در برآورد الگوی پانل از آزمون هاسمن^۳ (۱۹۸۰) استفاده می کنیم.

فرضیه H_0 در این آزمون دلالت بر آن دارد که ضرایب دو مدل از هم متفاوت نمی باشد.

چنانچه آماره آزمون محاسبه شده بزرگتر از χ^2_k جدول باشد فرضیه H_0 رد می شود، بدین مفهوم که تفاوت در عرض از مبدأ مقاطع مختلف به صورت تصادفی نمی باشد؛ پس روش اثرات تصادفی مناسب نمی باشد و بایستی از رویکرد اثرات ثابت استفاده نماییم.

جدول ۴. آزمون هاسمن برای انتخاب روش برآورد الگو

نوع آزمون	آماره آزمون	احتمال	نتیجه
هاسمن		۰.۰۰	برآورد به روش اثرات ثابت

ماخذ: نتایج تحقیق

با توجه به ضرایب برآوردی فرضیه H_0 در سطح ۵ درصد، رد می گردد. بدین مفهوم که تفاوت در عرض از مبدأ مقاطع مختلف به صورت تصادفی نمی باشد، لذا روش اثرات تصادفی جهت آزمون مناسب نمی باشد و باید از الگوی اثرات ثابت برای برآورد مدل استفاده گردد.

1. Fixed Effect
2. Random Effect
3. Hausman Test

۵. بررسی مدل

باید به این نکته توجه نمود که یک مدل هیچگاه قادر به توصیف دقیق واقعیت (آن طور که هست) نمی‌باشد. به عبارت دیگر جهت توصیف دقیق واقعیت مجبور نخواهیم بود چنان مدل پیچیده‌ای را ارائه کنیم که فاقد کمترین ارزش عملی باشد. به این ترتیب ساده‌سازی و تقلیل در هر برنامه مدل سازی اجتناب‌ناپذیر است. در این رابطه اصل قلت متغیرهای توضیحی حکم می‌کند که یک مدل تا آنجا که ممکن است ساده در نظر گرفته شود. این امر دال بر این است که باید برای دریافت اساس پدیده تحت مطالعه، تنها متغیرهای کلیدی و مهم را طبق چهارچوب تئوریک و تحلیل‌های نظری و کارهای انجام یافته در تحلیل وارد نمود. در مدل‌های نظری تبیین کننده رابطه سیاست تجاری و رشد اقتصادی متغیرهای مؤثر بر رشد بر مبنای ساز و کارهای نظریه مربوط تعیین و سپس برای برآورد اثرات سیاست‌های تجاری، سایر متغیرهایی که از طریق متغیرهای اصلی مدل بر رشد تأثیر گذار هستند، به مدل افزوده می‌شوند. دورهاف و کوئه (۱۹۹۹)^۱ تا پایان سال ۱۹۹۸ بیش از ۹۰ متغیر در مطالعات تجربی رشد را شناسایی کرده‌اند. در مدل مورد بررسی این مطالعه، متغیرها بر اساس ادبیات موضوعی آزادسازی تجاری و رشد اقتصادی انتخاب شده‌اند.

در این مطالعه مدل مورد بررسی برای کشورهای در حال توسعه طی دوره زمانی ۱۹۶۵ تا ۲۰۱۲ با استفاده از رگرسیون پنل دیتای نامتوازن و با استفاده از داده‌های آماری قابل مقایسه بین‌المللی برآورد خواهد شد. نبود داده‌های آماری برخی متغیرها در برخی دوره‌ها به کارگیری روش نامتوازن را گریز ناپذیر می‌کند. برای برآورد مدل از روش اثرات ثابت و روش حداقل مربعات تعمیم یافته GLS استفاده شده است.

۵-۱. نتایج برآورد تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب

پس از انجام آزمون هم‌انباشتگی در مورد وجود رابطه بلند مدت بین رشد اقتصادی و متغیر حکمرانی خوب و سایر آزمون‌های ذکر شده در سطور فوق، در این قسمت به تصریح معادله زیر می‌پردازیم:

$$GDP_{it} = \alpha_i + \beta_1 GDP(-1)_{it} + \beta_2 GOV_{it} + u_{it}$$

در این معادله $i = 1, 2, \dots, N$ برای هر یک از کشورهای موجود در مدل و $t = 1, \dots, T$ اشاره به دوره زمانی بررسی مدل دارد، u جزء اخلاص و β_1 تأثیر ناهمگنی متغیرهای مشاهده نشده را که ممکن است در بین مقاطع (کشورها) متفاوت باشند، به حساب می‌آورد. متغیرهای

1. Durhaf, S. N. & Quah (1999).

GOV و GDP نیز قبلاً معرفی شده اند. براساس نتایج به دست آمده از آزمون های هاسمن الگوی اثرات ثابت برای تخمین مدل مورد استفاده قرار گرفت.

طبق نتیجه آزمون هاسمن، فرض صفر مبتنی بر عدم وجود همبستگی بین اجزاء اخلاص غیرقابل مشاهده و رگرورها در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود که این به معنای اریب بودن نتایج حاصل از مدل در صورت تخمین با این روش می باشد. در نتیجه ما برای تخمین از روش اثرات ثابت استفاده کردیم و نتایج حاصل از تخمین مدل با اثرات ثابت در جدول شماره ۴ آمده اند. در این قسمت با استفاده از روش اثرات ثابت و حداقل مربعات تعمیم یافته تصریحات متفاوتی را مورد آزمون قرار می دهیم و بهترین تصریح را از لحاظ معنی دار بودن ضرایب و قدرت برازش تصریح انتخاب می نماییم. نتایج تخمین مدل به صورت جدول شماره (۵) ارائه گردیده است.

همانگونه که در جدول (۵) مشاهده می نمایید؛ ضریب وقفه تولید ناخالص داخلی سرانه مثبت و از لحاظ آماری در سطح ۵ درصد معنی دار می باشد، نتایج ناشی از تصریح فوق با نظریه همگرایی سازگار می باشد.

همچنین در تصریح فوق، ضریب متغیر حکمرانی خوب مثبت و از لحاظ آماری در سطح ۱ درصد معنادار می باشد. ضریب فوق به این معناست که اگر کیفیت حکومت در کشورهای منتخب به اندازه یک درصد افزایش یابد، رشد تولید ناخالص داخلی به میزان پنج درصد، افزایش می یابد. این متغیرها به تنهایی قادرند ۳۵ درصد از تغییرات نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را توضیح دهند.

جدول ۵. نتایج حاصل از تصریح مدل با استفاده از الگوی اثرات ثابت برای کشورها

تصریح مدل		متغیرها
مدل اثرات ثابت		
کشورهای منتخب		
آماره t	ضریب	متغیر وابسته GDP
3/32	0/0581***	عرض از مبدأ
3/057	0/2505***	GDP(-1)
2/050	0/0514***	GOV
۰/۳۵۲		R ^۲
5/488 (۰۰۰۰۰)		F

مأخذ: نتایج تحقیق (بیانگر معنی داری ضرایب در سطح اطمینان ۹۹ درصد می باشد).

با توجه به نتایج به دست آمده از تخمین مدل مشاهده می شود که ضرایب متغیرهای مدنظر شامل عرض از مبدأ، GDP و GOV در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار و دارای علامت مورد انتظار (ضریب مثبت PGDP و ضریب مثبت GOV) می باشند.

جمع بندی و نتیجه گیری

رشد اقتصادی یکی از شاخص های مهم توسعه محسوب می شود و با توجه به هدف گذاری اکثر کشورها به سمت بهبود و ارتقای سطح رفاه جامعه، مقوله رشد اقتصادی همواره با متون اقتصادی عجین بوده و مطالعات متعددی در خصوص مدل های رشد اقتصادی طی دهه های گذشته و اخیر انجام شده است؛ به طوری که در خصوص تبیین علل رشد اقتصادی از نقش سرمایه و نیروی کار به عنوان مهم ترین عوامل رشد آغاز شده و به تدریج طی مطالعاتی با ورود عوامل دیگر همچون تغییرات جمعیتی، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، بهداشت، فناوری اطلاعات و ارتباطات، رانت و ... کامل تر شده است.

با این وجود تفاوت های چشمگیر در عرصه رشد اقتصادی کشورها لزوم بازننگری و تکمیل نظریه های موجود را ضروری دانسته و مطالعات متعددی در خصوص معرفی الگوهای جدید رشد در حال انجام است. آنچه در دهه اخیر مطرح شده، نقش مؤثر حکمرانی خوب با رویکردی نوین مبتنی بر شفافیت عملکردها، پاسخگویی دولت ها، حاکمیت قانون و کیفیت قوانین، کنترل و مقابله با فساد و رانت و ارتقای کارآمدی دولت ها در الگوی های رشد اقتصادی می باشد. به طوری که شواهد تجربی نشان از این دارند که خصوصی سازی و ایجاد دولت حداقل به تنهایی نمی تواند الزامات رشد و توسعه اقتصادی را به همراه داشته باشد و ضروری است که در کنار کوچک سازی حجم فعالیت های دولت و گذر از اقتصاد دولتی به خصوصی، برخی از الزامات و سیاست ها از قبیل شفاف سازی و پاسخگویی دولت، ارتقای کارآمدی، کنترل فساد و رانت، ثبات سیاسی و اقتصادی، مقررات زدایی و حاکمیت قوانین مصوب در کنار سیاست کوچک سازی دولت اتخاذ گردد.

با توجه به اهمیت موضوع در این تحقیق سعی گردید به بررسی ارتباط بین رشد اقتصادی و حکمرانی خوب با تمرکز به کشورهای همجوار جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود. به این منظور، مبانی نظری و مطالعات تجربی مرتبط با حکمرانی خوب و توسعه اقتصادی معرفی گردید و با معرفی الگوی رشد مشتمل بر متغیرهای کنترلی و نماگرهای شاخص حکمرانی خوب، این مدل به روش پانل دیتا تخمین زده شد که نتایج به دست آمده از برآورد الگو بر

ارتباط معنی دار و مستقیم بین شاخص حکمرانی خوب با رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه منتخب تأکید دارد و می توان اذعان نمود که اجرای سیاست ها و راهبردهای تحقق حکمرانی خوب موجب افزایش رشد اقتصادی کشورها خواهد شد.

منابع

۱. الوانی، سید مهدی و علی زاده ثانی، محسن (۱۳۸۶) «تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران»، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۵۳، بهار.
۲. رضایی، مهدی «تأثیر حکمرانی بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶.
۳. سلاطین، پروانه (۱۳۸۸) «تأثیر شیوه حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب»، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات.
۴. شریف آزاده، محمد رضا و قلی پور، رحمت ا... (۱۳۸۲) «حکمرانی خوب و نقش دولت»، نشریه فرهنگ مدیریت، شماره ۴، زمستان.
۵. شریف آزاده، محمد رضا و حسین زاده بحرینی (۱۳۸۲) «تأثیر پذیری سرمایه گذاری خصوصی در ایران از شاخص های امنیت اقتصادی (۱۳۷۹-۱۳۵۸)»، نشریه نامه مفید: ۳۸.
۶. کمیجانی، اکبر و سلاطین، پروانه «بررسی تأثیر کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب همسایه (ترکیه و پاکستان)»، فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهشگر.
۷. میدری، احمد و جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳) «حکمرانی خوب بنیان توسعه»، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
۸. میدری، احمد «مقدمه ای بر نظریه حکمرانی خوب»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
۹. مچر، توماس (۱۳۸۴) «جامعه مدنی و آگاهی پسامدرنیستی»، ترجمه فرهاد بامداد، تهران، نشر پبلا.
۱۰. مهاجر، محسن (۱۳۷۶) «مؤلفه های جامعه مدنی در اندیشه اسلامی»، همایش جامعه مدنی و اندیشه دینی.
۱۱. منوریان، عباس (۱۳۷۹) «از دولت خوب تا حکومت داری خوب»، فصلنامه علمی - کاربردی مدیریت دولتی، شماره ۵۰.

12. Alesina, A. (1998) The political Economy of High and Low Growth, in Annual world Bank conference on Development Economics 1997, Washington DC world Bank.
13. Barro, Robert J. and Sala-i-Martin, Xavier (1995) Economic Growth, McGraw Hill, New York.
14. Burnett, Aymo, Kisunko, Gregory and Weder, Beatrice (1997) Credibility of Rules and Economic growth: Evidence from a worldwide survey of private sector, World Bank. Policy research working paper No. 1760, Washington.
15. Clague, C. (Ed.) (1997) Institutions and Economic Development: Growth and Governance in Less- Developed and post- Socialist countries, Baltimore and London: The John Hopkins University press.
16. Devaranjan, Shantayanan, Vinaya Swaroop, and Heng- Fu Zou, (1996) The composition of public Expenditures and Economic Growth, Journal of monetary Economics 37: 313-344.
17. Feng, Y. (2003) Democracy, Governance and Economic performance: Theory and Evidence, Cambridge: MA, MIT press.
18. Fedderke, Johannes and Klitgrad, Robert (1998) Economic Growth and social Indicators: an exploratory analysis, the university of Chicago: 755-756.
19. Gani, Azmat & Duncan, Ron (2004) Fijis governance index, Australian national university and the university of the South Pacific at the university of the South Pacific.
20. Gilbert Niyongabo (2003) Trade openness policy, Quality of institutions and economic growth, University Auvergne Clermont, France.
21. Hall, Robert, E., and Charles I. Jones (1999) why do some countries produce so much more output per worker than others? Quarterly Journal of Economics 114, No. 1: 83-116.

